



مهدی جواد اسلانی پژوهشگر مطالعات فرهنگی

انسان در جهانی که زیست می کند، با انبوهی از چالش ها و دشواری ها روبه‌روست، به‌گونه‌ای که اگر نتواند برای رفع این مشکلات تمهیدی بیندیشد و گامی بردارد، زندگی او با خطر جدی روبه‌رو می‌شود یا از کیفیت لازم و پایسته برخوردار نخواهد بود. در کنار مشکلات گوناگونی که نوع انسان مقابل خویش می‌بیند و درصدد رفع آن‌ها برمی‌آید، باید به پرسش‌های بنیادین او درباره هستی و جایگاه او در این جهان نیز تأکید کنیم. شاید در بسیاری از اوقات انسان

چنان سرگرم و درگیر امور روزمره و معمول خویش شده باشد که حتی فرصت فکر کردن به این پرسش‌ها را نیز به‌دست نیاورده باشد، ولی حقیقت این است که این پرسش‌های فلسفی همواره در ذهن و وجود او رسوخ و با او زیست می‌کنند. هرچه زمان بگذرد و پاسخی برای این پرسش‌ها یافت نشود، زندگی از آردهنده و عذاب‌آور خواهد بود.

شناخت درست مشکلات و داشتن دریافت دقیق از آن‌ها زمینه‌شکل‌گیری مسئله را در ذهن انسان فراهم می‌آورد.

مشکلات به‌خودی‌خود ناگشودنی هستند و بسیار پیچیده و بغرنج به حساب می‌آیند. مشکل زمانی امکان حل شدن خواهد یافت که در قامت یک پرسش و مسئله درست درآید. ازاین‌رو، روحیه جست‌وجوگر و کوشش برای یافتن پاسخ‌ها و دوری از نادانی همواره در سرشت انسان نهادینه بوده‌است.

بر همین بنیاد است که انسان همواره می‌کوشد در برخورد با هر موقعیت و فضای جدیدی از منظر پرسشگرانه و حتی انتقادی به‌موضوعات گوناگون بنگرد. شاید بتوان ادعا کرد که هیچ کنش انسانی بدون برخورداری از پشتوانه پرسشگری به‌ثمر نخواهد رسید. این روحیه پرسشگرانه به‌مرور روشنمند می‌شود و از اصول و قواعدی برخوردار خواهد شد. درواقع انسان کوشید تا به این استعداد درونی‌اش جهتی مشخص و هدفمند بدهد و برای آن چارچوب و ویژگی‌هایی مشخص کند. بدین سان، با شکل‌گیری علوم با هدف حل مسائل جامعه انسانی، این خصلت کنجی‌کاو و جست‌وجوگر را در قالب مفهوم «پژوهش، ساختارمند کرد.

بر این بنیاد بود که پس از انقلاب صنعتی «پژوهش» به مفهومی بنیادین در زندگی معاصر انسان بدل شد و با شکل گرفتن نیازها و فعالیت‌های جدید برای رفع نیازها، پژوهش به‌زودی گستردگی فراوان یافت و در همه عرصه‌ها مقدمه و بنیاد فعالیت‌ها قرار گرفت. با قوت‌گرفتن تفکر تکنوکراسی در جامعه معاصر، پژوهش به‌عنوان مبنای توسعه به‌شکلی جدی در مرکز توجه قرار گرفت و پژوهش‌های حوزه‌های علوم تجربی و مهندسی و فنی جایگاهی ممتاز یافتند. پژوهش در این پهنه‌های یادشده همواره برعهده متخصصان فنی گمارده شد و کمتر کسی خارج از دایره این متخصصان امکان اظهارنظر یا انجام کنش پژوهشی را داشته است. ولی از آن سو، در زمینه علوم انسانی مسیر یک‌باره دگرگون شد. علوم انسانی به‌ویژه عرصه‌هایی مانند فرهنگ، به‌دلیل گستردگی، نداشتن ادبیات تخصصی پیشینی، برخوردارنبودن از دغدغه عمومی، شناخته شده و عینی‌نبودن برای مخاطبان (برخلاف علوم مهندسی که عینیت دارند)، بیشترین آسیب را از حوزه پژوهش متحمل شدند. درواقع می‌توان گفت اظهارنظرهای همگانی در پهنه فرهنگ، بدون برخورداری از منطق پرسشگری و به‌تبع آن روش مطالعه و بررسی، محتواهای فرهنگی را به‌شدت مبتذل کرد و آن‌ها را از جایگاه رفیعشان خارج کرد.

فرصت اظهارنظر و طرح دیدگاه برای همگان در زمینه‌های فرهنگی به‌مرور توهمی خطرناک در بدنه عمومی پدید می‌آورد که می‌توان از آن به‌نام «خودعلامه‌پنداری فرهنگی» یاد کرد. دریافت‌های سطحی از فرهنگ، تقلیل معنای فرهنگ از تراز اصیل آن به‌تراز مظاهر فرهنگی، قدرت‌گرفتن نگره‌های تقویت‌کننده اشرافیت فرهنگی، بی‌توجهی به مسئله تبیین در حوزه فرهنگ و مواردی از این دست باعث شده است که نه‌تنها تحلیل فرهنگی از داده‌ها و پدیده‌های غیرفرهنگی به یک آرزو بدل شود، بلکه بدتر از آن حتی پدیده‌های ذاتا فرهنگی نیز درک و تحلیل نشود و به‌پچ پیچ خودعلامه‌پنداران بدل شود.

خودعلامه‌پنداران مهم‌ترین بحران‌ها را در روش پدید

می‌آورند. ایشان کسانی هستند که رویکرد تقلیلی خویش را به همه پدیده‌ها سرایت می‌دهند و سبب اضمحلال می‌شوند. خودعلامه‌پنداری در حوزه فرهنگ، بنیاد همه آفت‌های بعدی است و سمی‌کشنده و مرگ‌آور برای پیشرفت یک کشور محسوب می‌شود. خطر خودعلامه‌پنداران فرهنگی بسیار جدی است و غفلت از آن به قیمت تخریب سرمایه فرهنگی تمام خواهد شد.

زین‌قندپار

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

چند جایگزین فارسی

محتوا..... درون مایه

کلمه عبور..... گذرآوزه

میتلا..... دجار

ماحصل..... دستاورد

بی تردید..... بی گمان

مسلمًا..... بی گمان

موجب..... کارآموده

مرور..... بازبینی

فوقانی..... بالای، زیرین

فاینال..... پایانی

تناول..... خوردن

تهنیت..... شادباشی

تکریم..... بزرگداشت

تهاتر..... پایایی

#زین-قندپارسی

اهمیت قصه و قصه گویی در گفت و گو با کارشناس و مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی:

اگر قصه فراموش شده، متولی فرهنگی مقصر است



در نود ثانیه است و بخش قصه‌گویی صوتی با همان پادکست. به‌غیراز این، همه‌گروه‌های سنی این امکان را دارند در جشنواره شرکت کنند. «او انتقال عواطف و احساسات را یکی از ویژگی‌های مهم قصه‌گو بیان می‌کند و ادامه می‌دهد: «یک قصه‌گوی توانا با انتخاب قصه مناسب و اجرای خلاقانه می‌تواند تأثیر زیادی روی مخاطب داشته باشد. مهم این است که قصه‌گو احساسات و عواطف قصه را درک و

بتواند آن را به مخاطب منتقل کند.» نماینده انجمن قصه‌گویی استان در ادامه به بخش‌های مختلف جشنواره اشاره می‌کند و می‌گوید: «بخش زبان اشاره سال گذشته فقط در استان تهران برگزار شد. در این بخش قصه‌گو فقط با زبان اشاره قصه می‌گوید. در بخش بین الملل یعنی بخشی که قصه‌گوین خارجی هم در آن به رقابت می‌پردازند، آقای محمود خرقانی از مشهد نماینده این بخش است. در این

بخش قصه‌گوین ایرانی و غیرایرانی با زبان خودشان قصه می‌گویند و قصه‌های قصه‌گوین غیرایرانی برای مخاطبان و داوران ترجمه خواهد شد.»

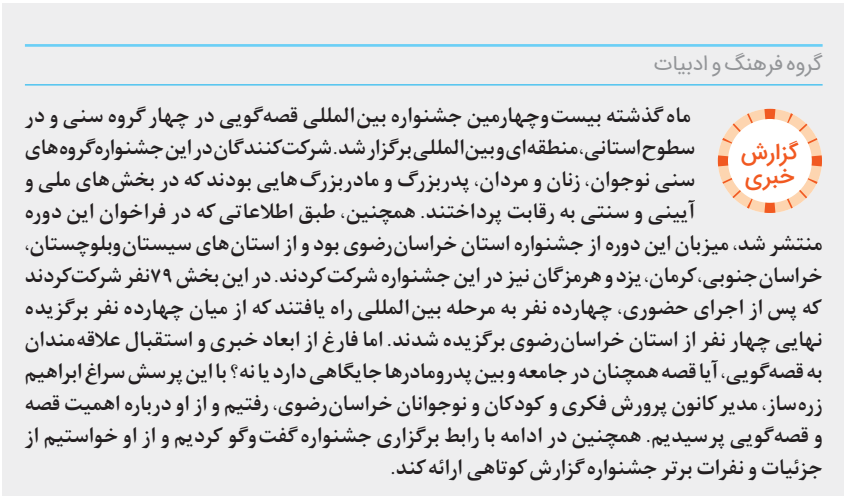


نیفتاده است، اما متأسفانه ما با این هویت اصیل خودمان در ایران و خراسان برای نسل امروز ناآشنا هستیم.» او در پایان یکی از دلایل برگزیده شدن نفرات برتر جشنواره قصه‌گویی را اجرای قصه‌های اصیل ایرانی بیان می‌کند و می‌گوید: «قصه‌گوهایی که از شش استان کشور به مشهد آمدند، همه جزو نفرات برتر شهر و استان خودشان بودند. نکته مهم این بود که بیشتر برگزیدگان این جشنواره منطقه‌ای کسانی بودند که قصه‌های هویتی و اصیل را انتخاب می‌کردند.»

● قصه‌گو باید بتواند عواطف و احساسات قصه را به مخاطب انتقال بدهد

سارا امیدوار، کارشناس فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و رابط جشنواره قصه‌گویی، در پاسخ به اینکه آیا هرکسی با هر سطحی از توانایی در قصه‌گویی می‌تواند در این جشنواره شرکت کند، می‌گوید: «خوشبختانه

بخش‌های مختلف این جشنواره باعث می‌شود هرکس با هر سن و توانایی بتواند حضور پیدا کند، به جز بخش‌هایی مثل «نود ثانیه»، که شامل خاطره‌گویی



قصه‌گویی داریم. اکنون در جشنواره بخشی داریم که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در آن حضور دارند، کسانی که راویان سنتی قصه هستند.»

● هویت اصیل سرزمینمان برای نسل امروز ناآشناست زره ساز در ادامه به سند چشم‌انداز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اشاره می‌کند و می‌افزاید: «در استان خراسان رضوی جشنواره قصه‌گویی جزو ضروریات محاسبان نمی‌شود، بلکه ما سند چشم‌انداز پنج ساله‌ای برای این حوزه تدوین کرده‌ایم که ذیل آن سند یکی از بخش‌ها، جشنواره قصه‌گویی است، نه همه‌اش. من از شما و دیگر رسانه‌ها توقع دارم که فقط روی جشنواره مانور ندهید، بلکه به این سند چشم‌انداز هم بپردازید. این سند حاوی محتواهایی است که حالا به‌دست فراموشی سپرده شده‌است.» زره‌ساز همچنین به عروسک‌ها و قصه‌های

کهنشان در جای جای خراسان که نسل به‌نسل به‌دست ما رسیده است هم نقبی می‌زند و می‌گوید: «ما کلی عروسک در استان داریم که قومیتی هستند و هر کدام قصه و شناسنامه مخصوص به خودشان را دارند که سینه به سینه به‌دست ما رسیده‌است. به‌عنوان مثال، ما کلی عروسک باران داریم. با این تفاوت‌که در جنوب خراسان قصه‌های این عروسک با عروسک باران در شمال خراسان متفاوت است. ما از این دست قصه‌های قومیتی که سینه به سینه به دست ما رسیده است، کم نداریم. ما کلی قصه داریم که مختص مثلاً شهرستان گناباد یا بقیه شهرستان‌های استان خراسان رضوی است، اما این‌ها فراموش شده‌اند. از طرفی، ادیبان و شعرایی در همین خطه زندگی کرده‌اند که در آثارشان قصه حرف اول را می‌زند. ما چقدر به این شخصیت‌ها

به عنوان یک هویت نگاه کرده‌ایم؟ ما چقدر به قصه‌های حضور پررنگ علی‌بن موسی الرضا^ع از مدینه تا مرو توجه کرده‌ایم؟ نه اینکه این اتفاق

● ما برای قصه‌های هویتی چه کار کرده‌ایم؟

زره‌ساز حوزه قصه و قصه‌گویی را همچنان در همه دنیا به روز و مؤثر بیان می‌کند و می‌گوید: «قصه مادر هفت هنر است. شما اگر بخواهید فیلم خوبی بسازید، باید قصه خوبی داشته باشید. اگر بخواهید نمایش خوبی اجرا کنید، باید قصه خوبی داشته باشید و حتی اگر بخواهید در کار ادبی و تجسمی هم موفق باشید، باید قصه داشته باشید و اگر در این حوزه ضعیفی وجود داشته باشد، مخاطب با اثر ارتباط برقرار نمی‌کند. در نتیجه، قصه کاملاً موردنیاز جامعه هنری است و ما نمی‌توانیم بگوییم فراموش شده است، چون اصالت هر هنری به قصه آن هنر برمی‌گردد.»

او با اشاره به اینکه خداوند وقتی می‌خواهد در قرآن با بشر حرف بزند، با زبان قصه این کار را می‌کند،

می‌گوید: «اگر قصه به دست فراموشی سپرده شده است، من متولی فرهنگی مقصر آن هستم. وقتی خداوند از ابزار قصه در این مسیر استفاده می‌کند، یعنی بهترین مسیر برای ارتباط با مخاطب همین است. نکته دیگر اینکه ما برای نسل امروز در حوزه قصه‌های هویتی چه کار کرده‌ایم؟ خیلی از آداب و رسوم را که نسل به‌نسل و سینه‌به‌سینه به دست ما رسیده است، متأسفانه فراموش کرده‌ایم. الان لالایی‌ها چه جایگاهی در فضای خانواده و رشد کودک و نوزاد دارند؟ بسیار کم‌رنگ است. یک بحث ما قصه است، اما بحث اصلی و بعدی ما لالایی‌هاست که خودش متضمن قصه است و الان به‌دست فراموشی سپرده شده است.

حتی می‌توانم به شما بگویم عمق فاجعه‌به‌حوزه‌قصه‌برنمی‌گردد، بلکه به فراموش کردن لالایی‌های مادرانه برمی‌گردد. ما از دوره نوزادی تا دوره پدربزرگ و مادربزرگ‌ها مخاطب قصه و

انتشار کتاب «تاریخ سیاسی

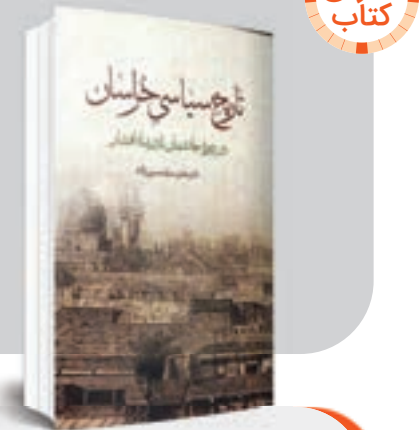
خراسان در دوره جانشینان نادرشاه

افشار»

در دوره جانشینان

نادرشاه بر خراسان

چه گذشت؟



پس از قتل نادرشاه، روزها و سال‌های پرآشوب و ملاحظمی برای خراسان فرا رسید و رقابت و کشاکش میان مدعیان قدرت در خانواده نادر و تلاش حامیان صفویه برای به‌تخت‌نشاندن بازمانده‌ای از این خاندان، ضعف حکومت مرکزی و بی‌ثباتی وضعیت سیاسی را به‌ذنبال داشت. از دست دادن بخش‌های وسیعی از شهرها و مناطق فرمان‌افشارها، بی‌اطلاعی برخی حکام محلی از حکومت مرکزی و اعلام استقلال آن‌ها و لشکرکشی‌های سه‌گانه احمدشاه دژآبی به خراسان از پیامدهای این وقایع بود که در کتاب «تاریخ سیاسی خراسان در دوره جانشینان نادرشاه افشار» بررسی شده است. به گزارش «اینا» در بخش اول کتاب که به خراسان اختصاص دارد، موقعیت جغرافیایی خراسان و اوضاع سیاسی خراسان در دوره نادرشاه بررسی شده است. در بخش دوم، علیقلی‌خان عادل شاه به آغاز ستیزه‌های محلی و موضوعاتی مانند اقدامات علیقلی خان پس از

دستیابی به قدرت، آغاز شورش‌های منطقه‌ای و کشاکش رقبیان خانگی می‌پردازد. بخش سوم دوره اول حاکمیت شاهرخ است و به عوامل اصلی‌روی کارآمدن شاهرخ، تنش میان دو جناح (شاهرخ-سیدمحمدمتولی) و سرنگونی شاهرخ پرداخته است. بخش چهارم کتاب در سه فصل تعریف شده است: فصل اول پیشینه خانوادگی، فصل دوم جلوس شاه سلیمان ثانی و فصل سوم تضادهای ایلکی و سقوط شاه سلیمان ثانی است. بخش پنجم کتاب دوره دوم حکومت شاهرخ است و در دو فصل شاهرخ و اختلافات خانوادگی و افشاریه و درانی‌ها را بررسی کرده است. بخش ششم با تأملی بر افشاریه و قاجاریه در دو فصل، فصل اول به آقامحمدخان و مسئله خراسان و در فصل دوم به فتحعلی‌شاه و آخرین بازماندگان افشاریه پرداخته است. این کتاب از آنجا نشئت گرفته است که تاکنون پژوهشی مستقل و کامل درباره این دوره تاریخی انجام نشده بود. در صورتی که به جز اهمیت خراسان به‌عنوان یکی از

راه پریچ وخم پیام

روی هم رفته، باید دانست برای پرورش و پرداخت درون مایه، نویسنده همه‌سازهای (عناصر) داستان، راه‌کار می‌گیرد، یعنی این‌سازه‌ها با نظم و هماهنگی و انسجام در خدمت عرضه پیام داستان هستند. بدیهی است که هرچه این نظم بیشتر باشد، هماهنگی پیام با داستان بیشتر خواهد بود و ولابد خواننده هم برای دستیابی به پیام اطمینان بیشتری پیدا خواهد کرد.

* در نگارش این مطلب، از منابعی چون: عناصر داستان، رابرت اسکولز: برگردان فارسی فرزانه طاهری، نشر مرکز: چاپ اول، ۱۳۷۷، «مبانی داستان کوتاه، مصطفی مستور، نشر مرکز: چاپ اول، ۱۳۷۹ و «داستان و نقد داستان، جلد سوم، گزیده و ترجمه احمد گلشیری، انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۶، بهره‌برده شده است.

معنای آن است. در اواخر داستان هولناک «الاناری (بخت‌آزمایی)»، اثر شرلی جکسن ماتوجه می‌شویم قرعه‌کشی مراسم با هدف انتخاب قربانی‌ای است که باید سنگسار شود. برای بررسی و تفسیر این داستان کوتاه می‌توان پیام‌هایی مانند این را در نظر گرفت: «ما قربانی تقدیریم، تأکیدهای نمادین نویسنده، انگاره‌های تکرار، حتی لحن روایت داستان از دیگر چیزهایی است که دست خواننده را می‌گیرد و به‌سوی معنا و درون مایه اثر هل می‌دهد. مثلاً داستانی را تصور کنید که نویسنده به‌اشیای عتیقه موجود در خانه پدری قهرمان داستان تأکید ویژه‌ای دارد. ممکن است نویسنده هدفش از این تأکید ارائه چنین پیامی باشد: «انسان از هویت و گذشته خود خلاصی ندارد.»

مشتري پیری گفت وگومی کنند که طبق روال همیشه به کافه آمده و نوشیدنی سفارش داده است. زمان تعطیل کردن کافه که می‌رسد، پیشخدمت جوان بی‌کار زندگی خود می‌رود و خواننده با پیشخدمت پدر در مسیر بازگشت از کافه همراه می‌شود. یکی از لحظه‌های کلیدی این اثر چند صفحه‌ای همان اوایل آن رخ می‌دهد که خواننده از طریق صحبت‌های دو پیشخدمت درباره زندگی مشتری پیر آگاهی پیدا می‌کند. خواننده دقیق وقتی موقعیت مهم حضور مشتری پیر را کنار تنهایی پیشخدمت پدر در پایان داستان می‌گذارد، به پیام احتمالی داستان راه می‌برد، چیزی شبیه این: «انسان تنهاست و انسان سال خورده تنها تر، نقطه اوج یا لحظه گره‌گشایی داستان هم کلیدی برای گشودن در



امیر کوسار نویسن